

■ **سه‌شنبه ۲۴ خرداد ماه ۱۴۰۱**

■ **سال دوازدهم ■ شماره ۲۳۲۱**

اجتماعی

پدر مددکاری اجتماعی ایران در خصوص چرایی افزایش آمار طلاق در روستاها عنوان کرد:

طلاق عارضه ازدواج‌های بانگاه قراردادی

ازدواج کند باید توانایی تأمین هزینه‌های خود و همسرش را داشته باشد و بتواند خانهای در محل زندگی پدر دختر اجاره کند یا بخرد. وقتی پسر بیکار است، منجر شدن ازدواج به طلاق امری عادی است.

اقلیما ادامه داد: واقعاً کسی هست که هنوز نداند ازدواج با وجود نداری چه عواقبی دارد؟ الآن جوانان با وام ازدواج می‌کنند و حتی قسط آن را خودشان نمی‌توانند بدهند و پدر و مادر دختر یا پسر باید آن را بپردازند. به‌این ترتیب، همه را مقروض و گرفتار می‌کنیم و بعد می‌گوییم چرا طلاق زیاد شده. خب پایه زندگی از اول غلط و مشکل‌دار بوده است.

وی بیان کرد: ازدواجی که بر مبنای وام چندمیلیونی انجام شود که ازدواج نیست. با چنین سیاست‌های غلطی که اجرا می‌کنیم، ارزش ازدواج و قبح طلاق را از بین می‌بریم. ازدواج کلاً به تبلیغ و ترویج نیاز ندارد. وظیفه دولت که این نیست. وظیفه دولت ایجاد شغل است، وقتی من شغل داشته باشم، شخصیت اجتماعی داشته باشم، درآمد و آتیه‌ام مشخص باشد، خودم ازدواج می‌کنم.

وی گفت: هیچ جای دنیا به آدم نمی‌گویند بیا این پول را بگیر و برو ازدواج کن. حالا اصلاً به من پول دادید و ازدواج کردم. وقتی کار ندارم، خانه ندارم چه کنم؟ قدیم نیست که دها بچه در خانه پدر و مادرشان زندگی کنند. الآن کسی که ازدواج می‌کند می‌خواهد مستقل شود و برای این هم حداقل یک سرپناه می‌خواهد. وقتی کار و درآمد نباشد، توانایی تأمین هزینه‌ها و مسکن نباشد، طلاق هم رخ می‌دهد.

این آسیب‌شناس با اشاره به تفاوت‌های سبک زندگی در گذشته و امروز گفت: زمانی که من در دانشگاه درس می‌خواندم، فارغ‌التحصیل‌ها بلافاصله ازدواج می‌کردند، چون کار برایشان موجود بود. وام می‌گرفتند و راحت خانه می‌خریدند و زندگی‌شان حتی با حداقل‌ها راحت می‌گذشت، اما الآن چنین چیزی وجود ندارد. اول از همه اینکه کار نیست. ۸۰ درصد تحصیلکرده‌های ما بیکارند و بقیه هم بیشترشان در تخصص خودشان کار نمی‌کنند که این هم ارزش آن‌ها را پایین می‌آورد. ازدواجی که با وجود این مشکلات و بدون فکر کردن به آن‌ها انجام شود، عارضه‌اش طلاق است.

حقوقش کفاف اجاره‌خانه و خرج زندگی‌اش را نمی‌دهد مجبور است دزدی کند و دولت هم این را می‌داند اما برای رفع این مشکل برنامه‌ای ندارد. دختری که در یک شرکت خصوصی با حقوق ماهیانه ۴۰۰ هزار تومان کار کند و از او بخواهند که با کارفرما هم رابطه داشته باشد ممکن است به روسپی‌گری کشیده شود. فردی که طلاق گرفته اما قانونی برای حمایت از او و تأمین زندگی‌اش وجود ندارد در معرض آسیب‌های گوناگون دیگر قرار می‌گیرد. همه این‌ها مسائلی است که امروز شاهد آن هستیم اما راهکاری برای رفعش نداریم.

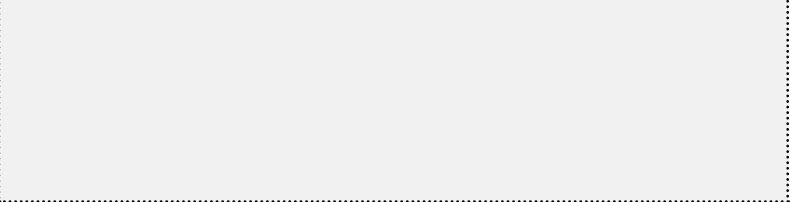
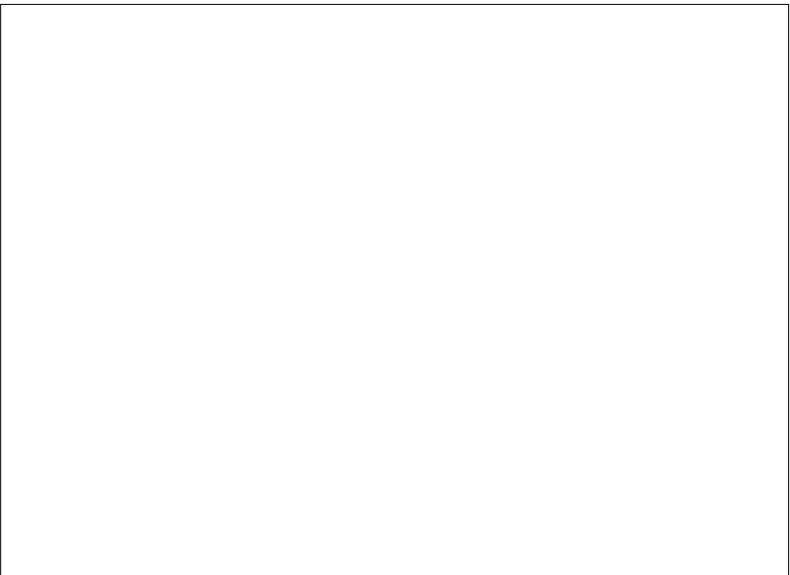


هیچ‌گاه برنامه‌های توسعه‌ای به‌صورت کامل اجرایی نشده

اقلیما افزود: اینکه هر دولتی که سر کار می‌آید یک برنامه جدید ارائه می‌دهد و برنامه‌های قبلی را کنار می‌گذارد در هیچ جای دنیا سابقه ندارد اما در کشور ما هر بار اتفاق می‌افتد و به همین دلیل است که هیچ‌گاه برنامه‌های توسعه‌ای به‌صورت کامل اجرایی نشده و شاهد کاهش مسائل و مشکلات کشور نیستیم.

وی با اشاره به رهنمودهای مقام معظم رهبری به همه دولت‌ها مبنی بر شایسته‌سالاری و پاسخگویی مسئولان به مردم، تصریح کرد: اگر همین‌ا دو توصیه ایشان مدنظر همه دولت‌ها قرار می‌گرفت امروز این‌همه مشکل و گرفتاری در کشور وجود نداشت اما این دو رهنمود ارزنده هیچ‌وقت مورد توجه قرار نگرفته و به همین دلیل است که هنوز نتوانستیم مشکلات و مسائلی را که گریبانگیر کشور شده به‌صورت ریشه‌ای و زیرساختی حل و فصل کنیم.

رئیس انجمن علمی مددکاری اجتماعی ایران با اشاره به اینکه در حال حاضر مشکلات اقتصادی ناشی از تورم موجود در جامعه آن‌قدر زیاد است که زن و مرد هر دو مجبور به کار کردن هستند، به همین دلیل کمتر برای یکدیگر وقت می‌گذارند و این موضوع مشکلات زیادی را برایشان ایجاد می‌کند و یا فردی که مجبور است برای تأمین مخارج زندگی دو نوبت کار کند دیگر فرصتی برای خانواده و رسیدن به امور عاطفی آن‌ها ندارد اظهار کرد: مسئله بعدی اینکه در هیچ جای دنیا چیزی به اسم وام ازدواج نداریم. زیرا ازدواج در دین اسلام امری ارزشمند است و گفته شده مردی که می‌خواهد



زندان نمی‌فرستند و درواقع نمی‌توان مهریه‌های سنگین را دلیل طلاق قلمداد کرد.



آسیب‌های اجتماعی باعث افزایش مشکلات و بیماری‌های روانی شده

وی با بیان اینکه آسیب‌های اجتماعی باعث افزایش مشکلات و بیماری‌های روانی در بین افراد جامعه شده. تأکید کرد: مشکلات زیادی در کشور وجود دارد که به‌نظر نمی‌رسد دولت‌های مختلف برنامه‌ای برای رفع آن داشته باشند؛ بنابراین آسیب‌های اجتماعی روزبه‌روز بیشتر مردم را گرفتار کرده و این گرفتاری‌ها هر بار به‌صورتی خود را نشان می‌دهد.

پدر مددکاری اجتماعی در ایران در توضیح این گرفتاری‌ها گفت: کارمند و یا کارگری که پایه

به ۸۰ درصد از فارغ‌التحصیلان بیکار هستند یا شغل مطمئنی ندارند، درآمد افراد کفایت زندگی آن‌ها را نمی‌دهد، آموزش‌ها نادرست است و نظارت اجتماعی و حاکمیت قانون کاهش یافته و فشارهای روحی افراد در جایی خود را نشان می‌دهد؛ بنابراین یکی به دزدی دست می‌زنند، یکی به روسپی‌گری (تن‌فروشی) روی می‌آورد و یکی هم نسبت به طلاق اقدام می‌کند.

اقلیما اجرا نشدن قوانین متعددی که در طول سال‌ها به تصویب رسیده را یکی دیگر از دلایل نابسامانی وضعیت اجتماعی دانست و گفت: برای مثال برخی مهریه را علت طلاق قلمداد می‌کنند حال آنکه مهریه دین و بدهی مرد به زن است اما قضات بر اساس تشخیص‌های خود مقدار آن را کم می‌کنند یا فرد بدهکار مهریه را به

روستایی وجود یک مورد نیز در چنین فضای کوچکی نگران‌کننده است؛ برخی از دهیاران از پیشی گرفتن آمار طلاق در روستا نسبت به ازدواج نیز صحبت کردند. جالب‌تر اینکه همگی دهیاران در پاسخ به چرایی این اتفاق عمده‌ترین دلیل را در وهله نخست بیکاری و سپس اعتیاد بیان می‌کنند.

براین اساس با توجه به اهمیت موضوع برآن شدیم تا در خصوص این آسیب اجتماعی گفت‌وگویی را با مصطفی اقلیما؛ پدر مددکاری اجتماعی ایران ترتیب دهیم که در ادامه می‌خوانید:

مصطفی اقلیما با تأکید بر اینکه طلاق در شرایط کنونی تبدیل به یک مسئله اجتماعی شده، گفت: زمانی این اتفاق رخ می‌دهد که از شرایط قابل تحمل و متعارف جامعه بگذرد؛ در این بین طلاق نیز به دلیل افزایش جمعیت و مطابق نبودن با آن و میزان ازدواج‌ها به یک شرایط آنومیک (بی‌قانونی) و مسئله اجتماعی تبدیل شده؛ به این معنا که دیگر یک امر شخصی و فردی نیست بلکه یک مسئله عام اجتماعی بوده و باید آن را در سطح کلان و سیاست‌گذاری‌های کلان نگریست.

وی با اشاره به اینکه اگر در گذشته طلاق به‌عنوان یک مسئله قبیح در جوامع روستایی شناخته می‌شد و افراد خیلی سخت به آن تن می‌دادند و ازدواج به‌عنوان یک پیوند مستحکم و الهی نگریسته می‌شد، امروزه با تغییرات ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نوع نگاه افراد به ازدواج تغییر کرده و آن را به‌عنوان نوعی قرارداد اجتماعی تلقی می‌کنند، ابراز کرد: در این صورت که ازدواج نیز مانند سایر قراردادهای دیگر دارای مدت زمان و تاریخ انقضا است و هرگاه زمان آن فرا برسد افراد می‌توانند به زندگی مشترک خود خاتمه دهند.

وی همچنین افزود: با تغییر نگرش نسبت به ازدواج شاهد کاهش برخی از ویژگی‌های شخصیتی مانند صبر، تحمل و بردباری نیز خواهیم بود به طوری که اگر زوجین نتوانند با برخی از مشکلات کنار بیایند، تنها راه حل را در طلاق و جدایی می‌بینند.

پدر مددکاری اجتماعی ایران به آمارهای بالای بیکاری از یک سو و نبود امنیت شغلی از سوی دیگر اشاره کرد و افزود، در شرایطی که نزدیک

سپهرغرب، گروه اجتماعی – طاهره ترابی‌مهوش؛ رئیس انجمن علمی مددکاری اجتماعی ایران با اشاره به اینکه اگر در گذشته طلاق به‌عنوان یک مسئله قبیح در جوامع روستایی شناخته می‌شد و افراد خیلی سخت به آن تن می‌دادند و ازدواج به‌عنوان یک پیوند مستحکم و الهی نگریسته می‌شد امروزه با تغییرات ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نوع نگاه افراد به ازدواج تغییر کرده و آن را به‌عنوان نوعی قرارداد اجتماعی تلقی می‌کنند، گفت: در این صورت است که ازدواج نیز مانند سایر قراردادهای دیگر دارای مدت‌زمان و تاریخ انقضا است و هرگاه زمان آن فرا برسد افراد می‌توانند به زندگی مشترک خود خاتمه دهند.

شاید در سال‌های نه‌چندان دور، طلاق پدیده‌ای مدنی و شهری به‌حساب می‌آمد که روستاییان را شامل نمی‌شد به‌طوری که پیوندهای خویشاوندی که در میان اهالی روستاها وجود داشت باعث می‌شد تا خانواده‌ها، شناخت کاملی نسبت به دختر و پسر داشته باشند.

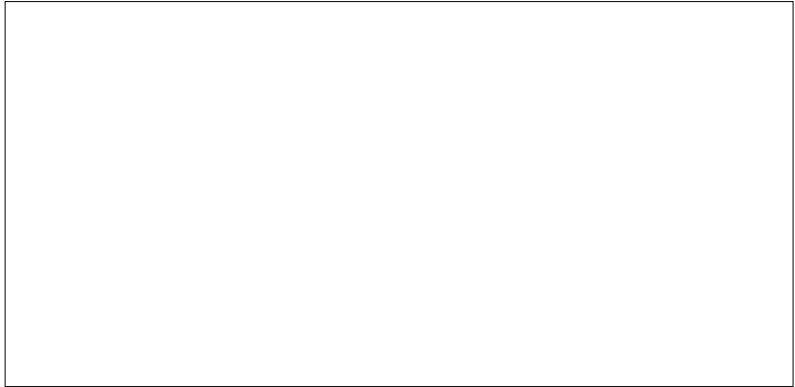
این دو عامل روانی بسیار مهم سبب شده بود تا قرن‌ها در روستاها خبر از طلاق نباشد؛ اما امروزه آمارها حاکی از رشد طلاق در روستاهای کشور است. آمارهایی که به‌شدت نگران‌کننده و البته تأمل‌برانگیز است.

تأسف‌بارتر اینکه روند افزایشی آمار طلاق محدود به شهرهای بزرگ نیست و افزایش این آمار در جوامع محلی کوچک نگرانی‌های بیشتری برای برنامه‌ریزان و مسئولان اجتماعی به همراه داشته است به طوری که چندی پیش سخنگوی سازمان ثبت احوال کشور شیب طلاق در روستاها را تند اعلام کرده و گفت: گزارش‌های تطبیقی و تحلیلی از وضعیت طلاق در کشور نشان‌دهنده روند افزایشی طلاق در مناطق روستایی است.

بر این اساس به‌صورت موردی به گفت‌وگو با دهیاران برخی از روستاهای ملایر با جمعیت بالای هزار نفر پرداختیم که نتیجه حاصل از این گفت‌وگو نیز بیانگر این واقعیت بود که قبح طلاق در بین جوامع روستایی از بین رفته و این روزها طلاق نیز همچون دیگر آسیب‌های اجتماعی به یک امر طبیعی در روستاها بدل شده که البته فراوانی آن نسبت به دیگر آسیب‌های اجتماعی همچون اعتیاد و بیکاری کمتر است اما به گفته دهیاران با توجه به شرایط فرهنگی حاکم بر جوامع

افزایش کودکان کار زمینه‌ساز آسیب‌های اجتماعی

ساماندهی این جمعیت نیازمند بانک اطلاعاتی است



بنابراین حضور این جمعیت علاوه بر تخریب چهره شهر، تشدید ناامنی و بزهکاری، زمینه‌ساز آسیب‌های اجتماعی است.

به گفته عسکری‌پور، برخورد جامعه با کودکان کار به دو دسته تقسیم می‌شود: برخی از شهروندان با ترحم، محبت و دلسوزی افراط‌گونه، شخصیت این کودکان را زیر سؤال برده و برخی شهروندان نیز با توهین و تحقیر و پرخاشگری اعتماد و عزت نفس این گروه را تخریب می‌کنند.

وی همچنین در مورد چگونگی ساماندهی این کودکان اظهار کرد: یکی از معضلات جهان صنعتی امروز پیدایش کودکان کار است. به‌منظور کاهش رفیع این آسیب باید علل پیدایش این جمعیت را مرتفع کرد؛ برای نمونه، فقر اقتصادی و فرهنگی خانوارها باید برطرف شده و تأمین نیازهای اولیه و امکان ادامه تحصیل برای همگان به‌عنوان یک حق همگانی فراهم شود.

این روان‌درمانگر یادآور شد: برخی از کودکان کار با باندهای فساد مرتبط بوده و برای ساماندهی این جمعیت باید به طور جد این ارتباطات و سرمنشأ بزهکاران شناسایی شود. همچنین خانواده‌های محروم و نیازمند کودکان کار باید تحت حمایت قرار گرفته و بانک اطلاعاتی جامع‌ای از این جمعیت جهت شناخت موقعیت اجتماعی و خانوادگی، ارتباطات اجتماعی و چگونگی کمک به این قشر و دسترسی به سرگروه بزهکاران و... فراهم شود.

عسکری‌پور همچنین با اشاره به گفت‌وگو با برخی از کودکان کار تصریح کرد: اعتبارات پیشنهادی در برخی از طرح‌ها برای پرداخت به کودکان به اعتقاد این قشر از مبالغ دریافتی روزانه کار در خیابان نیز کمتر است.

وی گفت: برخی از ان‌جی‌اوها و سازمان‌های مردم‌نهاد نیز اقداماتی حمایتی نظیر ارائه خدمات آموزشی و... را فراهم می‌کنند، اما ساماندهی واقعی کودکان کار نیازمند شناسایی این جمعیت و بررسی تمامی ابعاد زندگی این کودکان است.

سپهرغرب، گروه اجتماعی؛ روان‌شناس و مدرس دانشگاه با بیان اینکه افزایش کودکان کار در جامعه زمینه‌ساز آسیب‌های اجتماعی است، گفت: ساماندهی این جمعیت نیازمند یک بانک اطلاعاتی جامع برای شناخت تمامی ابعاد زندگی این کودکان است.

مهدی عسکری‌پور افزود: تعاریف متعددی درباره «کودکان کار» وابسته به سن، موقعیت جغرافیایی و ارتباطات اجتماعی ارائه می‌شود، اما به طور کل کودک زیر ۱۸ سال که محل اشتغال و زندگی او در خیابان باشد؛ به «کودک کار» تعبیر می‌شود.

وی با اشاره به برخی از گزارش‌های میدانی تصریح کرد: کودکان کار عمدتاً در شرایط سخت اجتماعی و اقتصادی به سر می‌برند؛ بخش قابل‌توجهی از این جمعیت با خانواده زندگی می‌کنند، اما به دلیل احتیاجات اقتصادی به کار خیابانی روی می‌آورند. بر اساس برخی از آمار و گزارش‌های میدانی هم ۱۵ تا ۲۰ درصد از این قشر بی‌خانمان و بی‌سرپرست هستند.

استاد دانشگاه ادامه داد: حضور این جمعیت که به طور معمول با پرسه‌زدن در کوچه و خیابان اقدام به فروش اجناس ارزان قیمت نظیر فال، تمیزکردن ماشین‌ها، واکس زدن کفش‌ها و... می‌کنند، گاه دچار برخی از آسیب‌های اجتماعی همچون حمل‌ونقل و جابه‌جایی مواد مخدر، دزدی و تکی‌دگری شده و مورد تجاوز و آزارهای جنسی قرار می‌گیرند.

عسکری‌پور توضیح داد: در حال حاضر یکی از مهم‌ترین خطراتی که کودکان کار به‌ویژه دختران را تهدید می‌کند تجاوز و روسپی‌گری است. بر اساس برخی از آمار و گزارش‌ها، سن روسپی‌گری به ۱۶ سال کاهش یافته است. تبعاتی که با ساماندهی کودکان کار به طور حتم کاهش یافته و مرتفع خواهد شد.

وی افزود: کودکان کار از هرگونه بهداشت، آموزش و تغذیه سالم محروم بوده و از لحاظ آسیب‌های روحی– روانی و جسمی نیز با مشکل مواجه می‌شوند.

***کودک کار زاده اقتصاد ناقص** خانواده است این استاد دانشگاه ادامه داد: درباره علل پیدایش این کودکان باید گفت، نخستین علت پیدایش این جمعیت مشکلات اقتصادی است. کودک کار زاده اقتصاد ناقص خانواده است.

عسکری‌پور با اشاره به بررسی‌های میدانی خاطرنشان کرد: اغلب این کودکان یکی از والدین (سرپرست خانواده) را از دست داده و گاه درگیر اعتیاد یا ناتوانی (مشکلات جسمی) یکی از سرپرستان خانوار بوده و بر این اساس با مشکلات مالی مواجه شده و به عنوان کمک خرج